

نداشتن پایگاه اجتماعی، مرگ گروه‌های تروریستی را تضمین می‌کند

فرهیختگان

در روزهای اخیر هم‌زمان با حمله هوایی اسرائیل به برخی اهداف نظامی در ایران، گروه تروریستی جیش‌الظلم نیز در بلوچستان عملیاتی را علیه نیروهای فرآجا ترتیب داد که منجر به شهادت چندین نفر از نیروهای انتظامی شد. پیش از این نیز هم‌زمان با حمله به کنسولگری ایران در دمشق، گروه تروریستی جیش‌الظلم در بلوچستان دست به اقدامات تروریستی زده بود. با تکرار حملات این گروه هم‌زمان با تهدیدات نظامی علیه ایران، راهبردی هماهنگ برای ایجاد ناامنی در مناطق شرقی ایران و ترغیب به درگیری‌های قومی دیده می‌شود. رویکردی که به‌نوعی تانیا‌هو نیز به آن اعتراف کرده بود. چند هفته پیش زمانی که بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با پیام‌های رسانه‌ای سعی در تحریک جامعه ایران و دعوت به مقابله داخلی با ایران داشت جیش‌الظلم نیز پیام فرمانده خود یعنی تانیا‌هو را دریافت کرد و وارد درگیری با نیروهای انتظامی شرق کشور شد. این هم‌زمانی‌ها بیش از هر چیز نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی از تقابل نظامی مستقیم با ایران پرهیز دارد و برای ضربه زدن به کشور به جای برخورد مستقیم به راهبردی استفاده از گروه‌های تروریستی متوسل می‌شود. این راهبرد با هدف ایجاد ترس در مردم، ترنزل اقتصاد، تشدید شکاف‌های اجتماعی و نهایتاً ایجاد بحران دیگری همچون اتفاقات ۱۴۰۱ در دستور کار اتاق جنگ اسرائیل قرار گرفته است. اما واقعیت‌های میدانی و واکنش‌های اجتماعی-اقتصادی در ایران نشان داده که نه‌تنها این اهداف محقق نشده‌اند بلکه اقدامات اسرائیل و گروه‌های تروریستی در فضای افکار عمومی نتایج معکوسی را بر جای گذاشته است.

شکست راهبرد اسرائیل در ایجاد ناامنی و تأثیر بر اقتصاد ایران

یگان‌های فرآجا که قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران با همراهی اداره‌کل اطلاعات سیستان و بلوچستان و رزمندگان فرآجا با استفاده از عملیات پهبادی و تعقیب زمینی توانستند عناصر این گروه را شناسایی و چهار نفر از آنان را به هلاکت برسانند. این عملیات همچنین منجر به دستگیری چهار نفر دیگر از تروریست‌ها شد و تعدادی نیز مجروح و متواری شدند که عملیات تعقیب و دستگیری آنها همچنان ادامه دارد. واکنش‌های سریع نیروهای امنیتی ایران نشان می‌دهد که ایران نسبت به تهدیدات تروریستی و تلاش‌های اسرائیل برای به آشوب کشیدن این مناطق، آمادگی کامل دارد و به‌سرعت قادر است امنیت را بازگرداند. اسرائیل انتظار داشت که اقدامات اخیرش در قالب حملات نظامی و همچنین تشدید فعالیت‌های گروه‌های تروریستی، بتواند از یک سو افکار عمومی ایران را دچار اضطراب و ترس کند و از سوی دیگر ثبات اقتصادی کشور را متزلزل سازد. اما در عمل واکنش بازارهای اقتصادی به این حملات فروکش کردن قیمت ارز و طلا پس از مدت کوتاهی نشان داد که این اقدامات نه‌تنها اثر منفی قابل توجهی نداشته بلکه پیامی از ضعف اسرائیل به جامعه ایران منتقل کرده است. درحالی‌که این تحولات برای ایجاد ترس و بحران در جامعه ایرانی طراحی شده بود افکار عمومی در ایران این تهدیدات را به عنوان نشانه‌ای از ناتوانی اسرائیل در رویارویی مستقیم با ایران و تلاش‌های ناکام این رژیم برای ایجاد ناآرامی در کشور تفسیر کردند. ثبات بازارهای اقتصادی ایران پس از این تحولات نیز نشانگر این است که جامعه ایرانی به این درک رسیده که اهداف اسرائیل از ایجاد تنش و آشوب به جایی نمی‌رسد و برعکس این اقدامات را نشانه‌ای از ضعف و شکست می‌داند.

تنها تریبون اسرائیل در ایران ترور است

در این میان واکنش علمای اهل سنت به اقدامات اسرائیل نیز قابل توجه است، حتی مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان که پیش‌تر با تکرار ایده تشکیل دو دولت در سرزمین‌های اشغالی به نوعی نرمش را در برابر اسرائیل نشان داده بود پس از این تحولات موضع‌گیری طاعی را علیه این رژیم اتخاذ کرد. وی با محکوم کردن حملات اسرائیل به مواضع نظامی ایران و بیان اینکه پایگاه‌های نظامی کشور سرمایه ملی‌اند، از جامعه جهانی خواست تا اسرائیل را تحت فشار قرار دهند و تا اشغالگری پایان دهد. این موضع درحالی‌که از جانب امام جمعه زاهدان اتخاذ شده است که او به‌همین ماه در خطبه نمازجمعه به نمایندگی از مردم ایران ادعایی عجیب طرح کرد و گفت: «مردم ایران در فلسطین هم خواهان صلحند و معتقدند حکومت اسرائیل و مردم فلسطین باید صلح کنند و فلسطینی‌ها به حکومت مستقل برسند.» موضع‌گیری جدید عبدالحمید که به‌نوعی موضع به‌من ماه او را نقض می‌کند باعث می‌شود تا رژیم صهیونیستی که به دنبال پیدا کردن تریبونی در داخل ایران برای بسط ایده‌های

آشوب طلبانه می‌گردد دستاورد بزرگی کسب نکرده و همچنان به اسلحه تروریست‌ها به عنوان ابزار تکراری خودش امیدوار بماند.

خنثی کردن کمربند انتحاری با تقویت اتحاد ملی

اسرائیل و حامیان غربی آن، با نگاهی تفرقه‌انگیزانه به مناطق شرقی ایران همواره تلاش کرده‌اند از شکاف‌های قومی و مذهبی موجود در این مناطق بهره‌برداری کرده و آنها را به ابزاری برای فشار علیه ایران تبدیل کنند. در شرایطی که گروه‌هایی نظیر جیش‌الظلم در این مناطق فعالیت دارند و تلاش می‌کنند با تحریک احساسات قومی و مذهبی به اهداف سیاسی خود برسند ایجاد همبستگی و تقویت هویت ملی در این مناطق یک ضرورت راهبردی برای ایران محسوب می‌شود. افزایش تعاملات بین دولت و مردم این مناطق می‌تواند به کاهش فضای مناسب برای اقدامات تنش‌زا و تروریستی کمک کند. ایران باید ضمن آمادگی برای پاسخ به اقدامات تنش‌آمیز اسرائیل با تحلیل و پیش‌بینی تحرکات بعدی این رژیم و متحدانش، بسترهای احتمالی برای ناامنی و تنش را شناسایی کرده و راهکارهای مناسب را برای مقابله با آنها تدوین کند. در همین راستا، تقویت اتحاد ملی و همبستگی قومی و مذهبی به‌ویژه در مناطق مرزی کشور می‌تواند نقشی کلیدی در خنثی‌سازی اقدامات دشمنان و حفظ امنیت ملی ایفا کند. مسئولان سیاسی و اقتصادی باید با شناسایی بسترهای مستعد تنش پیش از آنکه دشمنان بتوانند از این فضاها استفاده کنند به رفع آنها پرداخته و زمینه‌های ایجاد اتحاد و انسجام بیشتر را فراهم سازند.

تروریست‌های اسرائیلی علیه توسعه ایران

با به‌خاطر آوردن درمان مجروحان داعش در اسرائیل، حمایت‌های این رژیم از تروریست‌ها برای به آشوب کشیدن منطقه یادآوری می‌شود. تروریست‌هایی که هم به جان مسلمانان افتاده بودند و هم اهداف اسلام‌هراسانه غربی‌ها را تأمین می‌کردند. اما حمایت اسرائیل از تروریست‌ها صرفاً محدود به داعش نیست. این رژیم تقریباً هر تروریستی را که به امنیت منطقه و ایران آسیب بزند، مورد حمایت قرار می‌دهد. گروهک تروریستی «جیش‌الظلم» نیز از این قاعده مستثنی نیست. چند روز پیش، گروهک تروریستی جیش‌الظلم در تلاش برای تأمین مالی خود، یک درگاه رمزآزاد را در کانال رسمی خود راه‌اندازی کرد. این اقدام با سرعت مورد توجه و حمایت گروه‌ها و کانال‌های اسرائیلی قرار گرفت که با انتشار متنی مشابه، این کیف پول الکترونیکی را وسیله‌ای برای تأمین مالی «مبارزان آزادی!» یعنی گروهک تروریستی جیش‌الظلم معرفی کردند. این پشتیبانی نشان دهنده ارتباط عمیق و روشن بین این گروهک تروریستی و رژیم صهیونیستی است که به‌راحتی قابل مشاهده است. گروهک جیش‌الظلم که خود را مدافع حقوق مردم بلوچستان معرفی می‌کند، پس از آنکه با واکنش منفی افکار عمومی نسبت به جنایات خود در مناطق جنوبی ایران

مواجه شده است، در پاسخ به این انتقادات، این گروهک به تفسیر اقدامات خود پرداخته و مدعی شد که هدفش «چلوگیری از توسعه سواحل مکران» است. این بیانه نشان می‌دهد این گروه به‌وضوح در تضاد با منافع مردم منطقه قرار دارد و در تلاش است تا با استفاده از توجیهات و عبارات سیاسی، جنایات خود را پوشش دهد. به‌علاوه، مشخص است که اقدامات تروریستی جیش‌الظلم نه‌تنها به امنیت و آرامش مردم بلوچستان آسیب می‌زند، بلکه به‌عنوان ابزاری در دستان اسرائیل برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران نیز عمل می‌کند. این رژیم که به‌دنبال ایجاد بی‌ثباتی در ایران است، با حمایت خود از آنها می‌خواهد که با تحریکاتشان، تنش‌های بیشتری را در داخل کشور ایجاد کنند. حمایت مالی و رسانه‌ای از این گروهک، ضمن اثبات تبانی میان آن‌ها و رژیم صهیونیستی، نشان دهنده اراده اسرائیل در تداوم فعالیت‌های تروریستی و بی‌ثبات‌کننده در ایران است. در این راستا، افکار عمومی ایران با آگاهی از این ارتباطات و نقشه‌های شوم، به مقابله با این تهدیدات برخاسته و نشان داده‌اند که وحدت و همبستگی میان اقوام و مذاهب مختلف کشور می‌تواند مانع از نفوذ این گروه‌های تروریستی و حمایت‌های خارجی آن‌ها شود.

همکاری اسرائیل و جیش‌الظلم واضح است

در گفت‌وگویی با محسن روحی صفت، کارشناس مسائل شبه‌قاره و دیپلمات پیشین ایران در پاکستان و افغانستان، هم‌زمانی عملیات‌های تروریستی جیش‌الظلم در شرق کشور و حملات نظامی اسرائیل به ایران مورد بررسی قرار گرفت. روحی صفت معتقد است هم‌زمانی این دو رویداد، هماهنگی میان این گروه‌ها و اسرائیل را به‌وضوح نشان می‌دهد. وی در این باره توضیح داد: «برخی گروه‌های فعال در شرق کشور که وابسته به جریان‌های تروریستی مانند داعشند همواره به دنبال ایجاد ناامنی در ایران بوده و روابط نزدیکی با این گروه دارند. اردوگاه‌ها و مراکز آموزشی این گروه‌ها در گذشته توسط داعش تقویت شده و حتی از بیان اینکه با داعش پیوندی است محسوس می‌شود، ابایی ندارند.» او گفته او، داعش پیش‌تر در مناطقی مانند شام و سوریه در راستای منافع اسرائیل عمل کرده و گرچه موفقیت چندانی به دست نیاورد اما در دوره‌هایی به نایب‌ات از اسرائیل در راستای ایجاد ناامنی تلاش کرده است.

ادعای کشته شدن افغانستانی‌ها با مین

مقدمه‌سازی برای آشوب در شرق بود

به باور روحی صفت در برخی تلاش‌های رسانه‌ای گذشته زمینه‌سازی عملیات‌های آینده این گروه‌ها نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، مدتی پیش شایعاتی به شکل رسانه‌ای منتشر شد که مدعی بود در منطقه سراوان تعدادی از افغانستانی‌ها در اثر مین‌گذاری در مزرعه کشته شده‌اند. این ادعا به‌کلی بی‌اساس بود؛ چراکه مزارع سراوان مین‌گذاری نشده است



و حتی وقتی از این مدعیان پرسیده شد که اجساد کجا هستند، گفتند اجساد در هرات پیدا شده است، درحالی‌که هرات کیلومترها از مزار فاصله دارد. این اقدام به‌وضوح تنها یک تلاش تبلیغاتی و دروغین بود که با هدف آماده‌سازی افکار عمومی برای عملیات‌های بعدی صورت گرفت. روحی صفت با اشاره به واکنش مردم منطقه به اقدامات این گروه‌ها، گفت: «مردم منطقه از این گروه‌ها و اقدامات‌شان بیزارند و به هیچ‌وجه از آنها حمایت نمی‌کنند.» او به مواضع شخصیت‌هایی همچون مولوی عبدالحمید نیز اشاره کرد و افزود که عبدالحمید به هیچ‌وجه عملیات مسلحانه را تأیید نمی‌کند. این گروه‌ها هیچ جایگاهی در میان مردم منطقه ندارند و عملاً از هیچ‌گونه حمایتی از سوی مردم برخوردار نیستند.

مقابله با جیش‌الظلم تنها با نیروی نظامی امکان‌پذیر نیست

از دید روحی صفت برای مقابله با این گروه‌ها نه‌تنها اقدام نظامی بلکه ایجاد بسترهای اجتماعی و اقتصادی در منطقه ضروری است؛ چراکه این گروه‌ها از فقر، تبعیض و اختلافات قومی و مذهبی موجود در منطقه سوء استفاده می‌کنند. وی تصریح کرد که با از بین بردن این محرومیت‌ها امکان جذب افراد به گروه‌های تروریستی کاهش خواهد یافت و توان این گروه‌ها برای آشوب‌آفکنی محدود خواهد شد. روحی صفت تأکید کرد که رفع فقر و تبعیض می‌تواند افرادی را که به دلیل مشکلات معیشتی به این گروه‌ها متمایل می‌شوند را منصرف کرده و در نتیجه گروه‌های تروریستی نیز نخواهند توانست در چنین مناطقی فعالیت داشته باشند. از دید وی اگر این گروه‌ها هیچ پایگاهی در میان مردم نداشته باشند خود به مقابله با آنها برمی‌خیزند و این تهدیدات به‌طور مؤثری کاهش می‌یابد. در نتیجه مرگ این گروه‌ها تضمین می‌شود. وی همچنین به اهمیت اقدامات دولت در رفع تبعیض و فقر در این مناطق اشاره و تأکید کرد دولت باید منابع کافی را برای بهبود شرایط زندگی و معیشتی مردم در این مناطق اختصاص دهد تا مشکلات اجتماعی و اقتصادی به‌تدریج برطرف شوند. او اظهار امیدواری کرد با اقدامات اقتصادی و رفع تبعیض در مناطق محروم، این گروه‌ها در نهایت جایگاهی در میان مردم نداشته باشند و به مرور از فعالیت‌های مخرب خود دست بردارند. روحی صفت در پایان تأکید کرد که برای مقابله با گروه‌هایی همچون جیش‌الظلم راهبرد نظامی به تنهایی کافی نیست چرا که حتی یک گروه چریکی کوچک می‌تواند به‌تنبهایی اخلال ایجاد کند، هرچند متشکل از تعداد محدودی عضو باشد. او در اینباره افزود: «گروه‌های چریکی معمولاً به‌طور نامنظم و در شرایط سخت فعالیت می‌کنند و مزاحمت‌هایی را ایجاد می‌کنند که حتی با امکانات کم نیز می‌توانند تهدیدآفرین باشند. بنابراین، مقابله نظامی به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه نیازمند کار اطلاعاتی دقیق و از بین بردن زمینه‌های اجتماعی‌ای است که این گروه‌ها از آنها بهره‌برداری می‌کنند.»

منابع

میزان مهاجران و افزایش انواع جرم هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. درحالی‌که کمپین‌های رسانه‌ای در توئیتر چیز دیگری را بازتابی و برای مردم مسئله تولید می‌کنند.

خلاصه اینکه سیاست‌گذار باید جای بحث اجتماعی را در همین قاعده «خراج حداکثری» باز کند و الا دچار سرریزهای دیگر در سطح امنیتی و انتظامی خواهد شد که کل طرح را به چالش می‌کشد و از طرح مهم‌تر، کشور را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. در این زمینه استفاده از جامعه‌شناسان و روانشناسان و همچنین پژوهشگری از میان مهاجران، بسیار راهگشا خواهد بود. فرایند وضعیت‌سنجی اجتماعی از میان مهاجران بسیار لازم و ضروری است. فرایندی که فارغ از مباحث امنیتی، به‌وجوه اجتماعی بپردازد و پیشنهادهایی در این زمینه داشته باشد.

منابع

- 1- Aldamen Y. Xenophobia and Hate Speech towards Refugees on Social Media: Reinforcing Causes, Negative Effects, Defense and Response Mechanisms against That Speech. Societies. 2023;(4):13-83. <https://doi.org/10.3390/soc13040083>
- 2- Muhammad Tufail, Lin Song, Sher Ali, Salman Wahab & Taimoor Hassan (2023) Does more immigration lead to more violent and property crimes? A case study of 30 selected OECD countries, Economic Research-Ekonomska Istra-ivanja, 36:1, 18671885-85, DOI: 10.10801331677X.2022.2094437

منابع

منابع

مخاطرات اجتماعی ندیدن موضوع مهاجران

ادغام برای مهاجران قانونی و سیاست طرد برای مهاجران غیرقانونی به اجرا درخواهد آمد. اما مشکل آنجایی پیش می‌آید که سیاست‌گذار و مجری به واسطه نگاه امنیتی و انتظامی به موضوع، عموماً فاقد نگرش اجتماعی است و نهاد‌های اجتماعی و علمی مربوطه نیز کمتر در مباحثه شرکت داده می‌شوند یا به‌درستی نقش اجتماعی و پژوهشی را ایفا نمی‌کنند. همین امر باعث می‌شود تفکیک سیاستی به‌درستی رخ ندهد و مسیر فشار بر مهاجرانی بیشتر شود که قرار است در کشور حضور قانونی داشته باشند.

نتایج این فشار از طرف نظام حکمرانی و جامعه میزبان، بسیار گسترده و عمیق خواهد بود؛ اولاً مهاجر را از فعالیت مفید در عرصه‌های مختلف دور می‌کند و نفعی را کاهش می‌دهد که قرار است جامعه میزبان از حضورش ببرد. ثانیاً احساس منفی شدیدی درباره میزبان در او ایجاد می‌کند که انواع احتمالات مانند پاسخ خشونت‌بار را به وجود خواهد آورد، یعنی درصدی از مهاجران که تحت فشار اجتماعی قرار دارند، به پاسخ واداشته خواهند شد و ممکن است درصد کمتری از میان آنها، پاسخی خشونت‌بار را انتخاب کنند. البته هر رفتار خشونت‌بار از طرف مهاجران رانمی‌توان با فشار اجتماعی میزبان تبیین کرد و حتماً متغیرهای دیگری در آن دخیلند، اما فشار اجتماعی می‌تواند آن را تشدید کند.

این فشار اجتماعی مصداقی متفاوتی دارد، برای مثال کمپین‌های رسانه‌ای علیه مهاجران برای برجسته‌سازی جرمی که آنها انجام داده‌اند یا ضرر حضور آنها از این مواردند که در مقابل سیاست ادغام اجتماعی قرار می‌گیرد. جالب است که یک محقق ترکیه‌ای در سال ۲۰۲۳ مقاله‌ای علمی را چاپ کرده و به اثر همین کمپین‌های رسانه‌ای علیه مهاجران سوریه‌ای پرداخته است. این

مصطفی غنی‌زاده پژوهشگر سیاسی

این یک اصل موردتوافق در جامعه ایران است که بخش بزرگی از مهاجران افغانستانی باید به کشور خود بازگردند؛ چراکه امکان میزبانی از آنان دیگر در توان جامعه و نظام حکمرانی ایران نیست. اما باید دقت کنیم که مسئله اصلی بر سر چهارچوب اجرا و نحوه اجرای آن است. در متن قبلی برخی نکات درباره نحوه اجرا را توضیح دادیم که البته نیاز به بحث‌های بسیار بیشتر و طولانی‌تر دارد. در این متن به چند نکته درباره حدود و قواعد این اصل خواهیم پرداخت.

نوع برخورد با مهاجران می‌تواند مبتنی بر اصل ادغام یا طرد اجتماعی باشد. تفاوتی در میزان مهاجران غیرقانونی اخراجی وجود ندارد؛ چراکه حتی در صورت کارآمدی سیستم اخراج، کنترل مرزها و قواعد پذیرش قانونی، بازهم بخش بزرگی از جمعیت کنونی در کشور باقی خواهند ماند. به‌عبارت‌دیگر اساساً امکان اخراج چند میلیون نفر در دو سال پیش رو وجود ندارد، پس باید برای آنان که باقی خواهند ماند، یک سیاست اجتماعی واقعی و روی زمین داشته باشیم، با توجه به وضعیت کنونی و گستره مسئله مهاجران و تعداد کثیر آنان، نمی‌توان طرد یا ادغام را به‌صورت کامل اجرا کرد؛ چراکه در هرصورت قرار بر اخراج جمعیت بزرگی است. از طرف دیگر آن گروه عقلمی را که لا‌جرم باقی می‌مانند هم نمی‌توان طرد کرد؛ چراکه این کار مشکلات بزرگی را ایجاد می‌کند که در پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی به آن اشاره شده، لذا سیاست‌گذار مجبور به ایجاد یک سیاست ترکیبی است که مرز آن، همین عبارت «قانونی» و «غیرقانونی» خواهد بود، یعنی سیاست